



Domestic violence against women as a manifestation of public order violations in Mustafa Mastour's stories

Farzad Rezaei¹

Arash Moshfeghi*²

Aziz Hajjaji³

Received: 2025/08/01

Accepted: 2025/09/20

Abstract

Introduction: One of the most significant manifestations of discrimination against women is domestic violence. Through examining various instances of discrimination against women, international organizations have identified domestic violence as one of the most prevalent forms of discrimination, which prevents women from attaining their legitimate rights. Moreover, violations of public order constitute one of the major consequences of the widespread occurrence of such violence in societies. Although international forums have issued numerous declarations aimed at eliminating domestic violence, public order has been recognized as a key legal concept affected by the persistence of this phenomenon. The present study aims to examine instances of domestic violence against women in the works of Mostafa Mastoor and to analyze their role in disrupting public order.

Methodology: This study adopts an analytical–descriptive approach and relies on library-based sources. It examines violations of public order as one of the significant consequences of domestic violence against women, as reflected in Mostafa Mastoor's literary works.

Findings: The findings indicate that, in Mastoor's stories, women are predominantly subjected to private (domestic) violence, most often inflicted by spouses or close family members. Women experience all three forms of violence—physical, psychological, and sexual—with psychological violence occurring more frequently due to the concealed nature of its effects. One of the most prominent consequences of domestic violence against women is the violation of public order, as such violence disrupts social peace and security and undermines moral values within society.

Conclusion: In Mastoor's works, physical violence against women is commonly manifested in murder and unintended deaths. Neglect, deprivation of children, betrayal, and economic violence—such as forcing women into prostitution—are examples of psychological violence, while rape, prostitution, and forced abortion constitute forms of sexual violence. These behaviors are portrayed as factors that disrupt public order in Mostafa Mastoor's stories.

Keywords: Women's rights, Public order, Short story, Domestic violence, Mostafa Mastoor.



How to cite this article: Rezaei, F; Moshfeghi, A; Hajjaji, A. (2025). Domestic violence against women as a manifestation of public order violations in Mustafa Mastour's stories. *Law and Public Order*, 1(1), 47-66. (In Persian).

¹ Ph D Student, Department of Persian Language and Literature, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.

² Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.

* (corresponding author) moshfeghi.arash@iau.ac.ir

³ Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.



خشونت خانگی علیه زنان به عنوان جلوه‌ای از نقض نظم عمومی در داستان‌های مصطفی مستور

فرزاد رضائی^۱ آرش مشفق^{۲*} عزیز حجاجی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

چکیده

مقدمه: یکی از نمودهای مهم تبعیض علیه زنان، اعمال خشونت‌های خانگی علیه آنان است. مجامع بین‌المللی بعد از بررسی مصادیق تبعیض علیه زنان، دریافتند که خشونت خانگی از متداول‌ترین اشکال تبعیض علیه آنان است که باعث می‌شود زنان نتوانند به حقوق برحق خود دست پیدا کنند در کنار این مهم، نقض در نظم عمومی، از پیامدهای مهم رواج این نوع از خشونت در جوامع است. مجامع بین‌المللی، اعلامیه‌های متعددی جهت رفع این نوع از خشونت ارائه دادند اما، نظم عمومی یکی از قیود مهم محدود‌کننده خشونت در جوامع شناخته شد. هدف این پژوهش، بررسی مصادیق خشونت خانگی علیه زنان در آثار مصطفی مستور است.

روش: این مقاله سعی دارد به شیوه تحلیلی-توصیفی با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، به بررسی نقض نظم عمومی به عنوان یکی از تبعات مهم خشونت خانگی در داستان‌های مصطفی مستور بپردازد.

یافته‌ها: پژوهش نشان می‌دهد که در داستان‌های مستور، اغلب زنان در معرض خشونت خصوصی (خانگی) قرار دارند. همسر و افراد نزدیک خانواده، بیش‌ترین صدمه را به این زنان وارد می‌کنند. زنان داستان‌های مستور هر سه نوع خشونت جسمی، روانی و جنسی را تجربه می‌کنند و در این میان بسامد خشونت روانی به دلیل پنهان بودن تبعات آن، بیش‌تر است. نقض نظم عمومی از پیامدهای برجسته این نوع رفتار علیه زنان است، خشونت خانگی به دلیل برهم زدن آرامش و آسایش جوامع و نابود کردن اصول اخلاقی، نظم عمومی را در معرض اخلال قرار می‌دهند.

نتیجه: خشونت‌های جسمی علیه زنان در آثار مستور معمولاً در قتل و مرگ‌های ناخواسته نمود پیدا می‌کند. بی‌توجهی به زنان، محرومیت از فرزندان، خیانت، خشونت اقتصادی مثل تن‌فروشی، از مصادیق خشونت روانی علیه آنان است و تجاوز، روسپی‌گری و سقط اجباری از مصادیق خشونت جنسی علیه زنان و از عوامل اخلال در نظم عمومی در آثار مصطفی مستور محسوب می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: حقوق زنان، نظم عمومی، داستان، خشونت خانگی، مصطفی مستور.



استناد: رضائی، فرزاد؛ مشفق، آرش؛ حجاجی، عزیز (۱۴۰۴). خشونت خانگی علیه زنان به عنوان جلوه‌ای از نقض نظم عمومی در داستان‌های مصطفی مستور. *حقوق و نظم عمومی*، ۱(۱)، ۴۶-۴۷.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران. (نویسنده مسئول) moshfeghi.arash@iau.ac.ir

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

۱. مقدمه

می‌توان گفت خشونت یکی از ابزارهای قدرتمندان به منظور حفظ موقعیت خود در جوامع است. از دیرباز، جامعه مردسالار برای حفاظت از موضع قدرت تا جایی که توانسته از اعمال خشونت علیه زنان امتناع نورزیده است. تاریخ گواه است که زنان و مردان فراوانی، قربانی اشکال مختلف خشونت شده‌اند و چه بسا حق حیات خود را هم از دست داده‌اند. اما زنان به دلیل تفاوت‌های بیولوژیکی، در این میان، بیش‌ترین آسیب را متحمل می‌شوند. صدمه‌های جسمی که از ضرب و شتم، تجاوز، قتل و کشتار متوجه زنان می‌شود در مقایسه با مردان، به مراتب زیاده‌تر است. در کنار آن، پیامدهای روحی خشونت نیز در خصوص زنان، بسیار پررنگ است، آنان علاوه بر تحمل رفتارهای خشونت آمیز از سوی دولت‌ها، از جانب خانواده‌ها نیز در معرض خشونت‌های خانگی قرار دارند. نقض نظم عمومی، از پیامدهای مهم خشونت علیه زنان است که آرامش و آسایش جامعه را مورد هدف قرار داده و اصول اخلاقی را به ورطه نابودی می‌کشاند. رفتارهای خشونت‌زا مثل قتل، تجاوز، خیانت، ضرب و شتم آسیب‌زننده و ده‌ها مورد دیگر، به دلیل جرم انگاری، می‌توانند آرامش افراد یک جامعه را بر هم بزنند و طبق قوانین کشور، عامل اخلال در نظم عمومی محسوب شوند. مجامع بین‌المللی به منظور جلوگیری از این مسأله و در راستای در دفاع از حقوق زنان، راهکارهایی اندیشیده و بیانیه‌هایی صادر کرده‌اند که موجب کاهش بار خشونت علیه زنان شده‌اند. اعلامیه‌هایی مثل «رفع تبعیض علیه زنان»، بعد از بررسی مصادیق تبعیض، خشونت را شکلی از تبعیض دانسته و در راستای رفع آن، اعلامیه‌هایی علیه آن مسأله صادر کرده‌اند. بیانیه «رفع خشونت علیه زنان» از مهم‌ترین آن‌هاست. آنچه غیر قابل انکار است، نقش «نظم عمومی» در محدود کردن جریان آسیب‌زای خشونت در اقصی نقاط جهان علیه زنان است. قوانینی که به منظور ایجاد نظم عمومی وضع شده در کنار اعلامیه‌های حمایتی، به میزان قابل توجهی، مانع از اعمال خشونت علیه زنان شده است. با وجود این، هنوز زنان بسیاری در معرض خشونت به ویژه خشونت خانگی قرار دارند. آنان سیمای مظلوم تاریخ‌اند که در گذر زمان، نادیده گرفته شده و به باد فراموشی سپرده شده‌اند. تنها ابزاری که توانسته تصویری از چهره ستم‌دیده آنان منعکس کند، ادبیات به ویژه متون داستانی است. دالان‌های روایت‌های داستانی، مملو از ناله‌ها و فریادهای زنان رنج دیده‌ای است که زخمی به بلندای تاریخ بر کرده دارند و این مهم، در ادبیات داستانی معاصر، به دلیل توجه به بن‌مایه‌های اجتماعی، بسیار پررنگ‌تر است. روایت‌های داستانی کمک می‌کنند تا جایگاه زنان در انواع فرهنگ‌ها مشخص شود و میزان خشونت علیه آنان ارزیابی شود. آثار متعددی تا کنون به بررسی این مقوله در آثار داستانی پرداخته‌اند؛ لایلا عاشقی قلعه (۱۳۹۸)، در مقاله ای با عنوان «خشونت علیه زنان در آثار داستانی نویسنده زن معاصر فریب‌آفرینی» مصادیق خشونت در خصوص زنان را بررسی کرده و واکنش زنان در برابر این رفتارها را مورد تحلیل قرار داده است. مائده اسداللهی و همکارانش (۱۳۹۶)، در مقاله ای با عنوان «بررسی مقایسه‌ای جلوه‌های خشونت در داستان‌های دخترغبار و کولی کنار آتش» با تطبیق مصادیق خشونت در این دو رمان، به زمینه‌های فرهنگ و اجتماعی بروز خشونت علیه زنان دست یافته است. کیومرث رحمانی و همکارانش (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «خشونت علیه زنان در جای خالی سلوچ و رمان گودان» به بررسی انواع خشونت جسمی، روانی و جنسی علیه زنان در این دو اثر پرداخته و زمینه‌های بروز آن را در دو فرهنگ متفاوت مورد تطبیق و مقایسه قرار داده است اما تا کنون خشونت خانگی علیه زنان در آثار مصطفی مستور مورد بررسی قرار نگرفته است، به ویژه، «نقض نظم عمومی» به عنوان یکی از تبعات مهم آن در آثار داستانی، تحلیل نشده است در حالی که زنان در آثار مستور به رغم سیمای مقبول و قابل ستایش، در معرض آسیب‌های ناشی از خشونت قرار دارند و «نظم عمومی» جامعه نیز متأثر از این رفتارهای آسیب‌زننده است. این نوشتار به دنبال بررسی مصادیق خشونت به ویژه خشونت خانگی علیه زنان و بررسی تبعات حاصل از آن در آثار مصطفی مستور است. اهمیت این پژوهش، راهیابی به جایگاه واقعی زنان در جامعه معاصر ایران و شناسایی خشونت خانگی به عنوان عامل مخل نظم عمومی از منظر نویسنده است.

۱.۱. ضرورت و اهمیت تحقیق

زنان به عنوان بخشی از جمعیت انسانی، از حقوقی بهره‌مند هستند که به دلیل وجود برخی از تفاوت‌های جسمی، این حقوق از آنان دریغ شده است. اعمال خشونت علیه آنان به ویژه از نوع خانگی یکی از عوامل مهم در تضییع حقوق زنان به شمار می‌رود که زمینه‌های اخلال در نظم عمومی را فراهم می‌کند. زنان تحت خشونت، ناتوان از احقاق حقوق خود هستند و این مسأله، توجه محافل بین‌المللی را جلب کرده و منجر به انتشار بیانه‌هایی در جهت رفع هرگونه خشونت علیه زنان شده است. آثار داستانی از بسترهایی است که دقیق و واقع‌گرایانه، مصادیق خشونت علیه زنان را بازتاب می‌دهد. اهمیت این پژوهش، استخراج و بررسی مصادیق خشونت علیه زنان و برجسته‌سازی تبعات خشونت در شخصیت زنان داستان‌های مصطفی مستور است. این پژوهش، ضرورتی است که باعث می‌شود گوشه‌ای از حقوق پایمال شده زنان به گوش جهان برسد و نظام‌های حقوقی را برآن دارد تا جهت رفع هرگونه خشونت علیه زنان اقدامات مؤثر به عمل آورند و نظم عمومی به عنوان قیدی برای مهار خشونت را در نظام‌های حقوقی مدنظر داشته باشند.

۲.۱. روش تحقیق

این مقاله به روش تحلیلی-توصیفی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است. به این ترتیب که نخست آثار معتبر در خصوص حقوق زنان به ویژه مسأله خشونت و کنوانسیون‌هایی که در این رابطه منتشر شده، همچنین مطالبی درباره جایگاه حقوقی «نظم عمومی» در جامعه به دقت مطالعه شده است، سپس آثار داستانی مصطفی مستور مطالعه شده و آنجا که حقوق زنان در قالب روایت‌ها به تصویر کشیده شده، مورد توجه واقع شده و مصادیق خشونت علیه آنان به ویژه خشونت خانگی و مصادیق آن استخراج و بررسی شده است. این مصادیق با قوانین منع خشونت مورد مقایسه قرار گرفته و تحلیل شده است. رویکرد این پژوهش، بررسی تبعات حاصل از خشونت خانگی علیه زنان در داستان‌های مستور است.

۳.۱. مبانی نظری (مفهوم شناسی خشونت خانگی و نظم عمومی)

۱.۳.۱. حقوق زنان

زنان به عنوان بخش عظیمی از جمعیت انسانی، نیازمند برخورداری از انواع حقوق هستند که معمولاً مورد غفلت واقع شده‌اند. طبق تعریفی که حقوق‌دانان از حقوق انسانی ارائه داده‌اند، می‌توان زنان را در زمره جمعیت بی‌بهره از حقوق قرار داد: «حقوق، مجموعه‌ای از قوانین و قواعدی است که جهت ارتباط بین افراد وضع می‌شود. لازمه رشد فرد و تکامل شخصیت، حقوق اوست. افراد بی‌بهره از حقوق انسانی، در حکم بردگانی هستند که از خود اراده و اختیاری ندارند و سرنوشت آنان تابع میل و خواهش‌های غیرمسئولانه اربابان قدرت است.» (شیخ بهایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱). در جهان امروز، بهره‌مندی از حقوق، بسیار مورد تأکید است و افراد به حکم انسان بودن، دارای کرامتی هستند که آنان را ملزم می‌کند از گوهر ارزشمند حقوق خود محافظت کنند، بنابراین، «نادیده گرفتن حقوق و آزادی‌های افراد، نه تنها، ظلمی در حق آنان است بلکه خیانتی تلقی می‌شود که علیه بشریت اعمال می‌شود.» (همان). زنان به دلیل تفاوت‌های جسمی و بیولوژیکی، مکرر حقوق خود را از دست داده، مورد غفلت و بی‌توجهی واقع شده و چه بسا به باد فراموشی سپرده شده‌اند. صاحب نظران، در ادوار مختلف تاریخ، کم و زیاد به این مسأله توجه نشان داده‌اند و این امر در دنیای مدرن برجسته‌تر شده است. امروزه، اندیشمندان حوزه حقوق کوشیده‌اند رنگ ظلم و ستم را از سیمای زن امروزی بزدایند و تا حد توان حقوق او را احیا کنند. تلاش مجامع بین‌المللی در این راستا، مورد توجه است. طنین اولین گام‌های مجامع بین‌المللی به منظور احقاق حقوق زنان از سال‌هایی به گوش می‌رسد که کنوانسیون «رفع انواع تبعیض علیه زنان» به تصویب رسید: «مجمع عمومی سازمان ملل بعد از سی و سه سال تلاش، تحت سرپرستی کمیسیون وضعیت زنان، به سال ۱۹۸۱ م. کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان را با عضویت بیست کشور به تصویب رساند و ده سال طول کشید تا صد کشور به عضو این

کنوانسیون درآمدند. نتیجه‌ای که از این کنوانسیون به دست آمد سبب شد تلاش‌هایی برای رفع انواع تبعیض علیه زنان صورت بگیرد. (مایلس، ۲۰۱۹: ۱۹).

۳.۳.۱. نظم عمومی

از تبعات مهم خشونت، برهم زدن «نظم عمومی» است. طبق تعاریفی که از نظم عمومی ارائه شده، می‌توان گفت: «مجموعه‌ای از نیازهای بنیادین اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... است که برای ایجاد منفعت عمومی، حفاظت از امنیت، حفظ آداب عمومی، حفظ مصالح افراد، محافظت از سیر اقتصادی، لازم و ضروری محسوب می‌شوند.» (کورنو، ۱۹۹۸، ج ۱: ۲۹۲). آنچه برقراری نظم عمومی را ضروری می‌نماید، ایجاد ارتباطی مبتنی بر عدالت در میان افراد یک جامعه است. قوانینی که مانع برهم زدن نظم عمومی هستند، همگی با هدف فراهم کردن مصلحت عموم ایجاد شده‌اند: «نظم عمومی مجموعه‌ای از قوانین عرفی و اخلاقی است که با هدف برقراری حسن امور عمومی و فراهم کردن روابط عادلانه بین افراد یک جامعه وضع شده‌اند و هیچ احدی حق ندارد خلاف آن توافق کند.» (عمیدزنجانی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۷۲۰). با توجه به این تعاریف و با تکیه بر اسناد بین المللی، مشخص می‌شود قوانین مرتبط با نظم عمومی، محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند که در راستای ایجاد مصالح عموم است؛ بنابر این، محدودیت‌ها نه تنها ناقض حقوق بشر نبوده بلکه اصول انسانی را تضمین می‌کند: «کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در بند ۳ یادآور شده است که قوانین نظم عمومی، نباید برای افراد محدودیت ایجاد کند بلکه در راستای حفاظت از امنیت ملی، نظم عمومی، حفاظت از اخلاق عمومی، حفظ سلامت اخلاقی و محافظت از آزادی و حقوق برحق افراد وضع شده باشد.» (یوسف‌وند و عابدیان، ۱۳۹۶: ۹۴). با مدنظر قرار دادن این مسأله، می‌توان گفت قوانین نظم عمومی به منظور تأمین سلامت اخلاقی جوامع و تضمین آزادی‌ها و حقوق آنان ایجاد می‌شود و آنجا که حقوق افراد در معرض تهدید قرار بگیرد، نظم عمومی نیز دچار اخلال خواهد شد.

۲.۳.۱. خشونت خانگی

یکی از حوزه‌های مهمی که نیاز به تأمل دارد و به نظر می‌رسد در آن جا، حقوق زنان ضایع شده و تبعیضی سخت علیه زنان اعمال می‌شود، متن خانواده و مسأله خشونت خانوادگی است. «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان بعد از شناسایی ابعاد خشونت خانگی علیه زنان و شناخت مصادیق آن، به این نتیجه دست یافت که خشونت خانگی علیه زنان، بیش‌تر در عرف جوامع سنتی و باورهای مذهبی ریشه دارد.» (مایلس، ۲۰۱۹: ۱۹). این کنوانسیون با تبیین خشونت علیه زنان، مصادیق آن را شناسایی و به جهان معرفی کرد. «خشونت علیه زنان، یعنی زن به دلیل زن بودن (جنس) از جانب جنس مخالف، مورد ظلم واقع می‌شود و حقوقش را از دست می‌دهد. این فرایند اگر در حوزه خانواده صورت بگیرد، خشونت از نوع خانگی است. با تکیه بر این تعریف، هر رفتار یا احتمال بروز کنشی که موجب آسیب رساندن روحی، جسمی و جنسی به زن شود و باعث محرومیت و معذب شدن وی شود، رفتاری مبتنی بر خشونت علیه زنان است.» (نهادوندی، ۱۳۸۶: ۱۲۶). بعد از تصویب کنوانسیون «رفع تبعیض علیه زنان» و پس از بررسی نتایج این کنوانسیون، مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۲ CEDAW با انتشار یک تفسیر عمومی، اعلان کرد که خشونت علیه زنان در مفاد کنوانسیون «رفع تبعیض علیه زنان» مورد توجه است؛ از این رو، دولت‌ها موظفند راهکارهایی تعیبه کنند تا بتوانند در برابر خشونت خانگی علیه زنان مقابله کنند و آن را گزارش کنند.» (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸: ۶۵). این اعلامیه، بعد از بررسی یک ساله، در سال ۱۹۹۳، مصادیق خشونت علیه زنان را شناسایی کرده و در قالب اعلامیه‌ای تحت عنوان «رفع خشونت علیه زنان» منتشر کرد. از منظر این اعلامیه «خشونت به رفتارهایی اطلاق می‌شود که بر اساس جنسیت بوده و سبب صدمه جسمی، جنسی و روانی به زنان شود؛ مثل تهدید به سرکوب زنان. این اعلامیه، مصادیق خشونت علیه زنان را در سه دسته، جمع‌بندی کرد: الف) خشونت جسمی، جنسی و روانی در حوزه خانواده، مثل ضرب و شتم، آزار جنسی دختران در خانواده، خشونت‌های مرتبط با مسأله جهیزیه، تجاوز به عنف از جانب وابستگان شوهر و خشونت‌هایی که جنبه بهره‌کشی از زنان را دارد. ب) خشونت جسمی، جنسی و روانی در روابط اجتماعی مثل تجاوز به عنف، آزار، تعرض و تهدید جنسی در اجتماع و فضای کار و محیط‌های آموزشی، قاچاق زنان و رواج فحشا. ج) خشونت جسمی، جنسی و روانی که از سوی دولت اعمال می‌شود و یا دولت‌ها به رغم مشاهده

مصادیق این خشونت‌ها، آن‌ها را نادیده می‌گیرند.» (سالاری فر، ۱۳۸۹: ۱۳۸). اعلامیه «رفع خشونت علیه زنان» طی چند ماده، کوشید بعد از شناسایی مصادیق خشونت، افراد و دولت‌ها را موظف به مقابله با آن کند. در ماده ۴ این اعلامیه «دولت‌ها موظف شدند که اعمال هرگونه خشونت علیه زنان را محکوم کنند و به هیچ عنوان، رسم، سنت یا اصول مذهبی را برای توجیه خشونت علیه زنان، بهانه قرار ندهند. دولت‌ها موظف شدند با اتخاذ روش‌های مناسب و سریع، رفتارهای خشونت‌آمیز علیه زنان را مانع شوند.» (شیخ بهایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶). با انتشار اعلامیه «رفع خشونت علیه زنان» در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ «چارچوبی ارائه شد که نشان می‌دهد خشونت علیه زنان بازتابی از تبعیض علیه زنان است که در اعلامیه حقوق بشر و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان مطرح شده و در اعلامیه «حقوق بشر» و «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان» به مقابله با آن تأکید شده است.» (همان: ۵). به اعتقاد برخی، اعمال خشونت‌های خانگی، امری مسری است: «معمولاً همسرانی که علیه زنان خود رفتاری خشونت‌آمیز دارند، شاهد آزار مادرانشان از سوی پدر خانواده بوده‌اند.» (روی، ۱۳۷۷: ۲۱۴). می‌توان گفت: «مشاهده رفتارهای خشونت‌آمیز در خانواده بیش‌تر از مسائل محیطی در بروز خشونت علیه زنان تأثیرگذار است.» (کلامی، ۱۳۷۸: ۷۵). معمولاً خشونت در دو حوزه عمومی و حوزه خصوصی شکل می‌گیرد؛ در حوزه عمومی، بیش‌تر عملکرد جامعه مدنظر است: آداب و رسوم، فرهنگ شفاهی و کتبی از جمله بسترهایی هستند که می‌توانند خشونت از نوع عمومی را علیه افراد اعمال کنند اما در حوزه خصوصی، خانواده نقش مهمی دارد، رفتار و اعمال آسیب‌زایی که در خانه پدری و شوهری علیه زنان صورت می‌بندد از نوع خشونت در حوزه خصوصی است.» (همان: ۹۶). خشونت خصوصی در متن خانواده به اشکال مختلف خود را نشان می‌دهد. حقوق دانان این اشکال را به دو بخش آشکار و پنهان تقسیم کرده‌اند: «خشونت آشکار بیش‌تر خشونت‌های جسمی و لفظی را شامل می‌شود.» (واصفی و ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۷۱)؛ کتک زدن، اعمال رفتارهای شکنجه‌آمیز، قتل، تجاوز، سقط جنین و هر رفتاری که سبب وارد کردن آسیب به جسم زن شود، در حلقه خشونت جسمی از نوع آشکار آن قرار می‌گیرد اما نوع پنهان آن، «به رفتارهایی اطلاق می‌شود که آسیب‌شان در ظاهر امر قابل مشاهده نیست؛ مثل نادیده انگاشتن زن، تحقیر، سرزنش، از دست گرفتن قدرت تصمیم‌گیری زن، محرومیت، تن‌فروشی.» (مقصودی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۱). این رفتارها هر چند به ظاهر زنان صدمه ای وارد نمی‌کنند اما آسیب‌های جدی در روح و روان، شخصیت و تکامل فکری زنان و حتی جامعه ایجاد می‌کنند.

۳.۱.۳. نقض نظم عمومی پیامد خشونت خانگی

تأمل در روابط بین فردی، بیانگر آسیب‌های بسیار جدی است که زنان و به دنبال آن، جامعه از این نوع خشونت، متحمل می‌شود. اخلال در نظم عمومی یکی از تبعات مهم خشونت در جوامع شمرده می‌شود: «کم‌رنگ شدن حضور زنان در جامعه و محیط کار به ویژه در موقعیت‌هایی که برای حضور زنان، نیاز ضروری وجود دارد، سبب ایجاد صدمات اقتصادی و اجتماعی فراوان برای جامعه می‌شود. بی‌شک، زنان در معرض خشونت، از مشارکت در امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع امتناع می‌ورزند و رفته رفته نقش آنان به عنوان یک شهروند مسئول به دست فراموشی سپرده می‌شود.» (کلین، ۲۰۱۵: ۸۹). در اینجا است که نظم عمومی مختل شده و جامعه در معرض تهدید قرار می‌گیرد. فقدان امنیت، از هم پاشیدگی روانی و آسیب‌های جدی عاطفی، از دیگر عواملی است که این نظم را برهم می‌ریزد. با استناد به قوانین «از جمله ماده ۶۱۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، رفتارهایی از قبیل ایجاد هیاهو، اعمال نامتعارف و تعرض به مردم - که در حوزه جرم باشند - سبب اخلال در نظم و آسایش و آرامش افراد شده از لحاظ قانونی، جرم تلقی می‌شوند. قانون‌گذار، پذیرش جرم را به دو شرط مقید کرده است: مخل نظم عمومی و آرامش و آسایش باشند، دوم اینکه، مانع کسب و کار مردم شوند.» (میرخلیلی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۴۳) با توجه به این قانون، می‌توان برخی رفتارها در حوزه خشونت را عاملی برای اخلال در آرامش و آسایش دانست که جرم تلقی شده و در نظم عمومی اخلال ایجاد می‌کنند. هرچند امروزه، سعی می‌شود حمایت‌های قانونی، مانع بروز این عواقب شوند اما نمی‌توان وجود اشکال مختلف خشونت علیه زنان به عنوان جرم را منکر بود: «هنوز خشونت علیه زنان برجسته است و با وجود تدوین قوانین حمایتی، می‌توان اثرات مخرب و جبران‌ناپذیر آن را بر پیکره جامعه مشاهده کرد. دلیل این امر، دشواری دستیابی به قوانین حمایتی توسط زنان آسیب‌دیده است. از شواهد چنین برمی‌آید که حتی در برخی از جوامع، پلیس هم ترجیح می‌دهد مشاجره را آرام کند و به دنبال احقاق حق زنان

نباشد.» (گیدنر، ۱۳۸۱: ۲۱۸). این مسأله، پیوند زنان با جامعه را سست‌تر کرده و آنان را دچار رنج‌های روحی فراوان می‌کند. «ارتباط‌های صمیمی و عاطفی در خانواده زیر سایه تاریک خشونت، مختل می‌شوند و حس همدلی و عشق در زنان رنگ می‌بازد.» (چلبی، ۱۳۷۵: ۷۰). این دسته از زنان علاوه بر نهادهای قانونی، نیازمند توجه از سوی بافت فرهنگی و اجتماعی جامعه هستند، آنان به ابزارهایی احتیاج دارند تا به وسیله آن‌ها فریاد خاموش خود را به گوش مجریان قانون برسانند و چهرهٔ ستم‌دیدهٔ خود را با خطوط ریز و درشتش به نمایش بگذارند. متون ادبی به ویژه ادبیات داستانی یکی از این ابزارهای کارآمد است که توانایی ثبت، انعکاس و برجسته‌سازی فریاد زنان مظلوم را داراست. نویسندگان ادبیات داستانی، با ارائهٔ تصویری روشن، دقیق و واقعی از زندگی زنان، توانسته‌اند بهتر از هر ابزار دیگری، از قشر زنان حمایت کنند. مصطفی مستور یکی از پرچمداران این نوع از ادبیات داستانی معاصر است که به سال ۱۳۴۳ در اهواز دیده به جهان گشود. در سال ۱۳۶۷ در رشته مهندسی عمران از دانشگاه صنعتی اصفهان مدرک کارشناسی گرفت و زبان و ادبیات فاسی را در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز ادامه داد. مستور در بین داستان نویسان دهه هشتاد و آغاز دهه نود در عرضه داستان خوش درخشید و جایگاه ارزشمندی در میان مخاطبان آثارش پیدا کرد. (باقری، ۱۳۹۵: ۷۵). در داستان‌های مصطفی مستور نقش پر رنگی دارند. برخی از مضامین اجتماعی در داستان‌های او با هدف ترسیم مشکلات زنان مطرح شده‌اند، زنانی که در دنیای معاصر، حقوق برحق شان در خفا و خاموشی پایمال می‌شود و در لابه لای روابط‌های بین فردی و بین جامعه و فرد، نادیده گرفته می‌شوند. این زنان، بیش‌تر با وقایعی روبه رو می‌شوند که زیر سایه تبعیضی سنگین، طعم تلخ خشونت به ویژه خشونت خانگی را می‌چشند. آثاری که از مصطفی مستور در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفته‌اند عبارتند از: عشق روی پیاده رو (مجموعه داستان)، من گنجشگ نیستم (رمان)، چند روایت معتبر (مجموعه داستان)، استخوان خوک و دست‌های جذامی (رمان) و تهران در بعد از ظهر (مجموعه داستان)، بهترین شکل ممکن، حکایت عشق بی قاف و بی شین و بی نقطه و معسومیت، من دانای کل هستم.

۴.۱. جایگاه زنان در آثار مصطفی مستور

با توجه به این که پژوهش حاضر از منظر علم حقوق به زنان و جایگاه آنان در آثار مستور نگریسته است شاید لازم نباشد به طور دقیق و کامل، جایگاه زنان در آثار اوتیبیین شوند و اشاره به حقوق رعایت شده و یا پایمال شده آنان به طور غیر مستقیم بتواند جایگاه آنان را در آثار مستور نشان بدهد اما اشاره کوتاه به خلاصه یک مقاله با عنوان «چهره قدسی زن و عشق در آثار مستور» به منظور تبیین جایگاه زنان در آثار این نویسنده، خالی از سود نیست: «در آثار داستانی مصطفی مستور ۲۵۰ شخصیت داستانی نقش ایفا کرده‌اند. ۱۵۰ تن از این شخصیت‌ها مردند و صد زن در روند رویدادها حضور دارند. ۷۲ شخصیت مردان بار هویتی و اخلاقی مثبت دارند و ۶۱ تن از آنان بار منفی را با خود حمل می‌کنند این در حالی است که از صد زن آثار مصطفی مستور، فقط نه تن دارای بار منفی هویتی و اخلاقی هستند و بقیه، سیمای مثبت دارند. حتی این یک درصد سیمای منفی زنان نیز محصول جامعه مردسالار است که زنان قربانی فساد جنس مذکر شده‌اند. این نتیجه، بیانگر تلاش نویسنده در تغییر چهرهٔ منفی، خوار و تحقیر شده زن در ادبیات داستانی است. نگرش مصطفی مستور با این بن‌مایه، به میزان قابل توجهی منحصر به داستان‌های اوست و کمتر داستان معاصر با این نگرش به زنان، روایت شده است.» (باقری، ۱۳۹۵: ۷۶). با این مقدمه، می‌توان تا حدودی سیمای پاک، قدسی و مقبول زنان را در آثار مستور تماشا کرد. نویسنده در روایت‌هایش، تصویر زنی را ارائه می‌دهد که «از مردان، مؤمن‌تر، معنوی‌تر و نسبت به پیرامونش، خوش‌بین‌تر است، اما هنوز درگیر مناسبات اجتماعی جامعه‌اش است و نمی‌تواند از مطالبات برحق خود دفاع کند لذا قادر نیست به عنوان الگوی برتر برای زن امروزی باشد. این تصویر ریشه در سیمای زنی دارد که قرن‌ها در ادبیات کلاسیک به ویژه در شعر شاعران سبک عراقی درخشیده است.» (همان). این تصویر، سؤالی در ذهن ایجاد می‌کند مبنی بر این که زن مقبول و پسندیدهٔ آثار مستور - که حتی «در موقعیت روسپی‌گری هم عاری از گناه توصیف شده است.» (همان)، کدام حقوق انسانی خود را از دست داده که چنین در معرض خشونت به ویژه خشونت خانگی قرار گرفته است؟ پاسخ به این سؤال در گرو بررسی مصادیق خشونت خانگی یا خصوصی علیه شخصیت زنان در داستان‌های مصطفی مستور است:

۲. تحلیل خشونت خانگی علیه زنان در آثار مصطفی مستور

در سطور پیشین خاطر نشان شد که سیمای «زن» در داستان‌های مصطفی مستور، مقدس، نیک‌منش و پرستیدنی است اما به رغم این چهره، همواره خشونت بر سر او سایه افکنده و رنج و اندوه از لا به لای خطوط آن نمایان است. نویسنده در روایت فراز و فرود زندگی این زنان، تجارب تلخی را به نمایش می‌گذارد که ریشه در انواع خشونت‌های جسمی، روحی و جنسی دارد. اغلب آسیب‌هایی که زنان داستان‌ها دچار آن می‌شوند محصول خشونت خصوصی یا خانگی است که از جانب افراد نزدیک بر آنان روا داشته می‌شود. در این بخش از نوشتار به بررسی انواع خشونت خانگی (خصوصی) - که به دو بخش آشکار و پنهان تقسیم می‌شود - علیه زنان در آثار داستانی مصطفی مستور پرداخته می‌شود:

۱.۲. خشونت آشکار

۱.۱.۲. خشونت جسمی و نقض نظم عمومی

خشونت «طیفی از اعمال آسیب زننده و خشنی است که ممکن است به دنبال خود واکنش‌های منفی مثل بی‌تفاوتی و کم‌توجهی را در پی داشته باشد.» (محبی، ۱۳۸۰: ۷-۶). معمولاً «اعمال‌کنندگان خشونت از طریق اعمال زور و فشار بر فرد یا گروه، آنان را به برخی رفتارها برخلاف میل و خواست‌شان مجبور می‌کنند. آزارهای روانی، ضرب و شتم، زخم زدن، شکنجه و اجبار به انجام کاری خلاف میل، از صورت‌های رایج خشونت بین افراد است. همچنین هر آسیب احساسی و معنوی به فرد نیز در زمره رفتار خشونت‌آمیز قرار می‌گیرد.» (معینیان، ۱۳۹۴: ۱۳۴). پیش‌تر ذکر شد که یکی از اشکال مهم خشونت، آشکار و پنهان بودن آن است و این مسأله هم خشونت خانگی را شامل می‌شود و هم امکان رخ داد آن در خشونت عمومی وجود دارد. در خشونت آشکار، بیشتر جسم زنان در معرض آسیب قرار گرفته و آثار آن در جسم افراد نمایان می‌شود اما در خشونت پنهان، بیشتر روح و روان افراد تهدید می‌شود. در آثار مصطفی مستور، مصادیق آزار جسمی به عنوان خشونت آشکار قابل تأمل است:

الف) قتل و مرگ: آمار جهانی، بیانگر این مهم است که: «از هر سه زن، یک نفر قربانی خشونت جسمی است. این دسته از زنان معمولاً از سوی همسران خود در معرض خشونت قرار می‌گیرند و در ایران آمار نشان می‌دهد که ۳۵ تا ۸۵ درصد زنان خشونت جسمی را تجربه می‌کنند.» (رئیزی و بوستانی، ۱۳۹۵: ۲۸). از مصادیق مهم خشونت جسمی علیه زنان در آثار مستور، قتل زنان به بهانه‌های مختلف توسط همسران و دیگر افراد نزدیک آنان است که می‌توان آن را در زمره خشونت خانگی قرار داد. در داستان «بهترین شکل ممکن»، «خرما» مرد میان‌سال‌ست که زنش خانه را ترک کرده و خرما چون نتوانسته مانع از این کار زن شود او را کشته است: «توی روزنامه از قول خرما نوشته بود که چون زنش را خیلی دوست داشته اما نمی‌توانسته جلو رفتنش را بگیرد، او را کشته است.» (مستور، ۱۳۹۵: ۱۱). در مجموعه داستان «حکایت عشقی بی‌قاف بی‌شین بی‌نقطه»، «گل‌ابی»، به دلیل اختلاف‌هایی که با زنش دارد، او را می‌کشد و فرار می‌کند: «غلام سگی می‌گفت: گل‌ابی زنش را توی بندر کشته و بعد فرار کرده است این جا.» (مستور، ۱۳۹۹: ۳۷). در مجموعه «چند روایت معتبر» اقدس خانوم به دلیل خشونت رفتار شوهرش، خودکشی می‌کند: «صاحب خونه اقدس خانوم می‌گه که بیچاره نفت ریخته رو خودش و خودش رو آتیش زده به بچه‌هاش گفته‌ان اشتباهی آتیش گرفته. ثریا می‌گه از دست شوهرش خودکشی کرده.» (مستور، ۱۳۸۵: ۵۶). در روایت‌های مستور، علاوه بر همسر، جامعه نیز به طرق مختلف، جان زنان را در معرض تهدید قرار می‌دهد؛ این امر بیانگر رواج خشونت جسمی علیه زنان از سوی جامعه مردسالار است؛ دزدی از زنان، نمونه‌ای از این نوع خشونت است که در برخی موارد منجر به از دست دادن جان زنان می‌شود، در داستان «چند روایت معتبر» همسر مردی شاعر، به خاطر طلاهایش از سوی افراد ناشناس مورد حمله قرار می‌گیرد و به طرز فجیعی کشته می‌شود: «دو هفته پیش بود که گلوی زن یکی از دوستان شاعرم را واسه یک گردنبند توی خونه اش گوش تا گوش بریدن. شاعر وقتی می‌رسه خونه که زنش توی حیاط داشته توی خون خودش دست و پا می‌زده.» (مستور، ۱۳۸۵: ۱۱۸). نادیده گرفتن حقوق زنان از سوی دولت‌ها، شکل دیگری از خشونت است که در آثار مستور در قالب پدیده‌ای به نام «زایمان» به تصویر کشیده می‌شود. اغلب زنان در این روایت‌ها در فرآیند زایمان، جان خود را از دست می‌دهند؛ این در حالی است که زنان در این بازه زمانی نیاز به

توجه، حمایت و مراقبت‌های ویژه دارند. نویسنده بر آن است تا قصور جامعه اعم از افراد نزدیک مثل همسر و دولت‌ها را علیه زنان به تصویر بکشد و چهره پنهان این نوع از خشونت علیه زنان را که منجر به مرگ آنان می‌شود- به نمایش درآورد؛ هر چند در این موارد، قتل به صورت مستقیم انجام نمی‌شود اما مرگ زنان، محصول خشونت است. این دسته از زنان در آستانه زایمان، شرایط جسمی ناگواری دارند، از حمایت بهداشتی سالم برخوردار نیستند و مهم‌تر از همه، مورد حمایت‌های اجتماعی و عاطفی دولت‌ها و خانواده قرار ندارند، این عوامل به طور غیر مستقیم، آسیب جسمی آنان را سبب شده و گاهی منجر به کشته شدنشان می‌شود. در مجموعه «تهران در بعد از ظهر»، فرزانه خواهر دوقلوی دکتر سیفی، قربانی مسأله زایمان است: «فرزانه خواهر دوقلوی فرخ، از دو هفته قبل به دلیل نوعی اختلال هورمونی پس از زایمان در بخش اعصاب و روان بیمارستان دی بستری شده است.» (مستور، ۱۳۸۹: ۶۶). در رمان «من گنجشک نیستم» افسانه همسر راوی، بر اثر زایمان می‌میرد. عدم مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی مرگ او را رقم می‌زنند: «افسانه هنوز توی بیمارستان مهر بود. هنوز نمرده بود. دو روز بعد مُرد. به خاطر خون‌ریزی زیاد.» (مستور، ۱۳۸۷: ۹). در داستان «چند مسأله ساده»، مادر قدسی قربانی زایمان شده است: «قدسی دیروز در سن سی و چهار سالگی درگذشت. مادرش هنگام زایمان او درگذشته بود.» (مستور، ۱۳۸۹: ۸۴). در مجموعه داستان، «چند روایت معتبر»، سیمین، روزهای خشونت‌باری را تجربه می‌کند و موقع زایمانش، به دلیل عدم حمایت همسر، در تنهایی می‌میرد: «درد مثل موجی در تیرهای پشت‌اش می‌رفت و می‌آمد و تمامی نداشت. تلفن محسن را گرفت اما کسی آن طرف خط گفت که شوهرش بیرون است. سیمین آه کشید.» (مستور، ۱۳۸۵: ۴۶). در مجموعه داستان «عشق روی پیاده‌رو»، طوبی، خواهر راوی، قربانی خشونت است. قلم اعتراض نویسنده متوجه کسانی است که مسئولیت سلامت زنان باردار با آنان است و این در حالی است که این مسئولیت نادیده گرفته می‌شود؛ از این رو، مراقبت‌ها کم شده و زنان قربانی خشونت دولت‌ها و ارگان‌ها می‌شوند: «خواهرم طوبی زیر عمل سزارین درگذشت.» (مستور، ۱۳۷۸: ۸۹). مستور بارها در آثارش دست خشونت بار طبیعت علیه زنان را هم به تصویر می‌کشد و معتقد است فقط عوامل فردی و اجتماعی در این مرگ‌ها دخیل نیست، طبیعت نیز دست به دست آن‌ها داده زنان را تهدید می‌کند. رمان «من گنجشک نیستم» به این نکته اشاره شده است: «پژوهشگری با مطالعه بر میزان درد اولین زایمان ۷۸ زن سوئدی به این نتیجه رسیده که ۷۲ درصد آن‌ها به هنگام زایمان درد غیرقابل تحمل یا شدید داشته‌اند و تنها ۲۸ درصد آن‌ها درد را قابل تحمل گزارش کرده‌اند.» (مستور، ۱۳۸۷: ۵۵-۵۶). در همه مصادیق خشونت جسمی در آثار مصطفی مستور، قتل و مرگ سر زایمان، مهم‌ترین نمود خشونت جسمی علیه زنان آثار اوست. از دیدگاه قانون، خشونت جسمی در حوزه خانواده یکی از عوامل مهم اخلال در نظم عمومی است: «قوانین مربوط به نظم عمومی شامل حوزه‌هایی مثل امور اقتصادی، اداره اجتماع، امور معیشتی و امور خانواده و مانند این‌ها است.» (عابدی و اسدی، ۱۴۰۴: ۱۶۲). قتل ناشی از خشونت خانگی، از مصادیق اخلال در نظم عمومی محسوب می‌شود که باعث سلب آرامش و آسایش اجتماع بزرگی از زنان در جامعه می‌شود.

ب) سقط اجباری: مسأله سقط جنین یک پدیده جهانی اجتناب‌ناپذیر است که نمی‌توان وقوع آن را در جوامع، منکر شد. آنچه در این میان، حقوق‌دانان را وا داشته تا نسبت به این پدیده توجه نشان بدهند آمار تکان دهنده مرگ و میر مادرانی است که در معرض سقط جنین اجباری در شرایط غیربهداشتی بوده‌اند: «سقط جنین غیربهداشتی در جوامع کم توسعه، یکی از دغدغه‌هایی بود که در همایش «جمعیت و توسعه» در سال ۱۹۹۴ سازمان ملل متحد در مورد بررسی قرار گرفت.» (حسینی، ۱۳۸۴: ۸۱). مطالعه در مورد پدیده سقط جنین و رویکرد کشورهای مختلف نشان می‌دهد که دو دسته، مقابل هم قرار گرفته‌اند؛ گروهی سقط جنین را ممنوع اعلان کرده‌اند و معتقدند انسان نمی‌تواند حق حیات را از انسان دیگر دریغ کند و گروهی با پذیرفتن این مسأله که سقط جنین پدیده‌ای غیرقابل اجتناب است- ممنوع دانستن آن را تهدید علیه سلامت زنان دانسته و مدعی هستند در صورت ممنوع بودن سقط جنین، بازار افراد غیرمختص در این زمینه رونق گرفته و زمینه‌های بیماری و مرگ و میر مادران را فراهم خواهد کرد.» (همان: ۸۳-۸۵). با تکیه بر این مسأله، سقط جنین به دلیل تبعات زیان بارش، مصداقی بارز از خشونت جسمی علیه زنان است و مصطفی مستور در آثارش این نکته را مورد توجه قرار داده و کوشیده نتایج زیانبار ممنوعیت این رفتار علیه زنان را به تصویر بکشد. در رمان «معمومیت»، سقط جنین توسط افراد غیرمختص انجام می‌شود و می‌تواند تبعات مرگ باری داشته باشد، دلیل این امر، قانونی نبودن سقط در نظام بهداشتی ایران است. زنان برای انجام سقط، از افراد غیرمختص کمک می‌گیرند. پدر راوی که کارمند

اداره برق است- به سقط جنین غیرقانونی می پردازد: «او، مثل همیشه، بی‌وقفه به جماعتی که یا نمی‌توانستند پول برق مصرفی‌شون رو بدهند یا می‌خواستند بچه روشن رو سقط کنند خدمت می‌کرد.» (مستور، ۱۳۷۷: ۲۵). در همین داستان، فریده دختر نوجوانی است که ناخواسته از پسرهمسایه باردار شده و از پدر راوی می‌خواهد که کمک کند تا او پنهانی بچه اش را سقط کند. در این میان، رابطه اجباری و تحمیل سقط به دختر نوجوان از مصادیق خشونت به شمار می‌رود: «از اون خواست یه مامای دهن قرص براش پیدا کنه تا بچه فریده رو بندازه.» (همان: ۲۴). روای بعد از مرگ پدر، با اصرار توران خانم (همسایه) به او کمک می‌کند تا فرزند ناخواسته خواهرزاده اش (طوطی) سقط شود، رفتاری که در حوزه تخصص او نیست و می‌تواند برای دختر جوان آسیب غیرقابل جبرانی بزند. نویسنده در راستای ترسیم تبعات سقط اجباری، به روان آشفته دخترانی اشاره می‌کند که به دلیل بارداری ناخواسته، به خودکشی اقدام می‌کنند. «طوطی» نمونه‌ای از این زنان است: «گفت: مازی جون تو رو خدا کاری بکن. دیشب طوطی احمق بیست تا قرص خورد و اگه نرسونده بودیمش به بیمارستان الان مرده بود.» (همان: ۶۱). درخواست مصرائه شخصیت داستان (توران خانم) از راوی برای کمک به سقط جنین، نشان دهنده رواج غیرقانونی این رفتار در جامعه است: «مطمئن باشید اگر کاری واسه این دختر بکنید روح پدرتون شاد می‌شه.» (همان: ۴۶). این امر بیانگر عدم حمایت دولت‌ها از زنانی است که قربانی این پدیده هستند. علاوه بر این، همه سقط‌های زنان در آثار مستور، محصول بارداری ناخواسته و معمولاً نامشروع است که حاکی از رواج خشونت جنسی علیه زنان در جامعه است. در این داستان، راوی به رغم عدم صلاحیت برای سقط جنین به «طوطی» برادرزاده همسایه، کمک می‌کند تا فرزند نامشروع خود را سقط کند: «بالاخره طوطی، خواهرزاده توران خانم، بچه‌ش رو انداخت و خیال خودش و توران خانم و اون پدرسگی که شکمش رو بالا آورده بود، راحت کرد.» (همان: ۹۴). در داستان «چند مسأله ساده»، نویسنده روایتگر زندگی زنی است که وکیل او برای طلاق گرفتنش، او را به عقد موقت خود درمی‌آورد و پایان ماجرا با از دست دادن بخشی از بدنش رقم می‌خورد، سقط جنین او، اجباری و بنا به خواست و کیلش بوده است: «به توصیه او جنینش را سقط کرد. قدسی سه هفته بعد از سقط جنین دچار عفونت شدید رحم شد و پزشک‌ها در عمل جراحی دشواری رحمش را برداشتند.» (مستور، ۱۳۸۹: ۸۴). در مجموعه «حکایت عشقی بی‌قاف بی‌شین، ...» زنان زیادی قربانی سقط و حاملگی‌های ناخواسته هستند. مادر راوی مکرر با بارداری ناخواسته، بچه سقط می‌کند: «قبل از تو سه تا بچه سقط کردم. دو دختر و یه پسر.» (مستور، ۱۳۹۹: ۵۶). زنان به خاطر سقط، جان خود را از دست می‌دهند و اشکال تلخی از خشونت جسمی را به نمایش می‌گذارند: «دیشب یه زن سی ساله رو آوردند توی بخش. بچش سقط شده بود. صبح خودش هم مُرد، به خاطر خونریزی زیاد.» (همان: ۵۶). در رمان «استخوان خوک و دست‌های جذامی» راوی از زندگی دختر جوانی به نام «پریسا» سخن می‌گوید که در رابطه‌ای نامشروع، بارداری ناخواسته را تجربه می‌کند. سقط جنین، ممنوع است. پریسا قرص می‌خورد تا خودکشی کند. پریسا را به شرکتی می‌برند که به صورت غیربهداشتی فرزند او را سقط می‌کنند: «طبقه پانزدهم، یعنی همون جا توی شرکت این کار رو می‌کنند؟ من نمی‌دونم شهرام، فقط می‌دونم تا پریسا بلایی سر خودش نیاورده، باید کار تموم بشه.» (مستور، ۱۳۹۷: ۵۴). سقط توسط افراد غیرمتخصص و پنهانی بودن آن، فشارهای روانی ناشی از بارداری‌های ناخواسته و مرگ ناخواسته به دلیل سقط، از موضوعات برجسته‌ای است که به عنوان یکی از مصادیق خشونت جسمی در آثار مصطفی مستور نمایان است.

ج) بدرفتاری: هر نوع سوء رفتاری که روان و تن زنان را می‌آزارد یک خشونت تلقی می‌شود، در آثار مستور، زنان مکرر با این نوع از رفتارها از سوی افراد خانواده به ویژه همسران شان روبه‌رو هستند تا جایی که بدون گرفتن حقوق قانونی خود، از آن زندگی خارج می‌شوند. در داستان «چند مسأله ساده» نویسنده روایتگر زندگی زنی است که به دلیل بدرفتاری شوهر، طلاق گرفته است. ضرب و شتم از مصادیق خشونت جسمی است که عبارات زیر نمود دارد: «چهار سال بعد با داشتن دو فرزند یک و سه ساله، به دلیل بدرفتاری همسرش، در یک فرآیند طولانی دادرسی و بدون دریافت مهریه از او طلاق گرفت. همسرش که از نوعی جنون خفیف که او را به کتک زدن وحشیانه زن وامی‌داشت، رنج می‌برد.» (مستور، ۱۳۸۹: ۸۴).

قتل، خودکشی، سقط اجباری، ضرب و شتم و همه مصادیق خشونت جسمی علیه افراد به ویژه زنان، به دلیل جریحه‌دار کردن وجدان جامعه، می‌تواند باعث اخلال در نظم عمومی شوند. تعریفی که از نظم عمومی ارائه شده، تأیید کننده این سخن است: «

قوانینی که در ذات خود به دنبال حفظ حیثیت، حفظ منافع مادی و معنوی افراد هستند، نظم عمومی را ایجاد می‌کنند و آن جا که این مقررات در هم می‌ریزد، وجدان جامعه، جریحه‌دار می‌شود و نیازمند مداخله دولت‌ها برای بازداشت این نقض می‌شود.» (حمزه هویدا و فخاریان، ۱۴۰۳: ۱۱۲).

۲.۲. خشونت پنهان

۱.۲.۲. خشونت روانی

بخش دیگری از خشونت‌های خانگی علیه زنان، روح و روان آنان را می‌آزارد؛ پیش‌تر ذکر شد که خشونت‌هایی از این جنس، پنهان هستند، صدمه ناشی از آن‌ها در ظاهر امر رؤیت نمی‌شود اما تبعات رنج‌آوری دارد که روح و روان زنان را هدف قرار می‌دهد. «خشونت پنهان زیرشاخه‌های متعددی دارد که خشونت روانی و خشونت اقتصادی از برجسته‌ترین آن‌هاست، تحقیر زنان، گرفتن حق تصمیم‌گیری و بی‌توجهی به آنان، عدم محبت به زن، عدم همدلی، عدم درک احساس زنان از جمله مصادیق روانی خشونت هستند و محرومیت مالی و تن‌فروشی از مظاهر مهم خشونت اقتصادی به شمار می‌روند.» (مقصودی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۱ و معینیان، ۱۳۹۴: ۱۳۵). تعمق در مصادیق این نوع از خشونت نشان می‌دهد که یکی از اهداف آن، نقض اخلاق حسنه در جامعه است، به طور مثال، خیانت فعلی ضداخلاقی است و رواج آن در جامعه، اخلال در نظم عمومی را سبب می‌شود. «نقض قوانین آمره، رفتارهای مخالف اخلاق حسنه، ایجاد اختلال در امنیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و همچنین مخل نظام حکومت بودن از مصادیق مهم اخلال در نظم عمومی هستند بنابر این دو مورد: قانون و اخلاق حسنه از عناصر نظم عمومی به شمار می‌روند که نقض آنان، اخلال نظم عمومی است.» (یوسف‌وند و عابدیان، ۱۳۹۶: ۹۶). با توجه به این مطلب، هر رفتاری که خلاف قانون و اخلاق حسنه باشد، عامل نقض نظم عمومی است و مصادیق خشونت روانی، بیش‌تر نقض اخلاق حسنه را سبب می‌شوند. به دلیل گستردگی مصادیق این نوع خشونت و متداول بودن آن در میان زنان، توجه فراوانی به این نوع از خشونت شده و در آثار داستانی مصطفی مستور هم بازتاب گسترده‌ای دارد. اهم آن‌ها عبارتند از:

الف) بی‌توجهی: در آثار مستور، زنان زیادی بی‌توجهی از سوی همسران را شاهد هستند. این رفتار تا بدان‌جا ادامه می‌یابد که آنان مجبور به ترک خانه می‌شوند. در رمان «استخوان خوک و دست‌های جذامی»، سیمین همسر محسن به بهانه اعتراض، خانه را ترک می‌کند. دلیل اعتراض او، بی‌توجهی‌های محسن به اوست: «محسن! تو زیاده‌روی کردی. کاش نصف وقتی رو که برای روزنامه می‌گذاشتی. برای سیمین می‌گذاشتی. می‌گفت کاش به اندازه نیم تایی پایین صفحه روزنامه‌ت بهش اهمیت می‌دادی.» (مستور، ۱۳۹۷: ۲۵). جالب توجه این که بی‌توجهی نسبت به زن (همسر) در این اثر از سوی کسی اعمال می‌شود که داعیه دفاع از حقوق انسان را دارد: «تو فقط دنبال روزنامه‌ت و مزخرفات توش بودی، درباره حقوق زن مطلب چاپ می‌کردی، اما همون وقت داشتی حق و حقوق یکی از همین زن‌ها را توی خانه خودت له می‌کردی.» (همان: ۶۱). سایه از دیگر زنان قربانی خشونت خانگی در مجموعه «چند روایت معتبر» است، همسرش کسری، دل در گرو مهتاب دارد، هر چند در ظاهر امر با سایه زندگی می‌کند اما سایه، حضور نامرئی عشق مهتاب در دل همسرش را به عینه می‌بیند: «سایه یک جمله با هزار کلمه است: سایه خوب است، مهتاب هزار جمله است.» (مستور، ۱۳۸۵: ۳۴). لیلا از جمله دیگر زنان این مجموعه است که به دلیل بی‌توجهی همسرش عباس آقا، برای همیشه خانه را ترک می‌کند: «نمی‌دانم کی بر می‌گردم، شاید یک ماه دیگر، شاید دو ماه، شاید هم هیچ وقت، شاید من مقصر بودم و شاید هم تو مقصر بودی، اما حالا هیچ فرقی نمی‌کند، تنها خواهشی که دارم دست از سرم برداری، فکر کن مرده‌ام، اصلاً فکر کن اصلاً با هم ازدواج نکرده ایم.» (همان: ۹۳)، بی‌توجهی مصداق بدرفتاری می‌تواند باشد و این نکته در تعارض با نظم عمومی است. نقض اخلاق حسنه از عوامل مهم اخلال در نظم عمومی است و انجا که بدرفتاری در حق زنان در جامعه منتشر می‌شود، اخلاق حسنه در میان عموم رنگ می‌بازد و به تدریج نظم عمومی درهم می‌ریزد.

ب) خیانت: خیانت به دلیل تبعات روانی تلخ و آسیب‌زا، خشونت محسوب می‌شود. (۱). در داستان‌های مستور، معمولاً زنان از سوی همسر یا شریک عاطفی خود، خیانت دیده و دچار پریشانی روان می‌شوند. در مجموعه داستان «حکایت عشق بی «ق» و ...»، مرد داخل رستوران، به زنش خیانت می‌کند: «نه، گویی طوفانی بود که از کانون مرد وزید تا روح زن را در هم پیچاند و مچاله کرد و کوبید به دیوار ناپیدا. زن دست‌هایش را گذاشت دو طرف شقیقه‌هایش و ناگهان گریست.» (مستور، ۱۳۹۹: ۱۹). توصیفی که از مستور از حالات زن هنگام خیانت مرد ارائه می‌دهد، اوج رنج روانی حاصل از خشونت را به نمایش می‌گذارد. در داستان «چند روایت معتبر»، سایه به عنوان زن راوی در معرض خیانت است. همسرش به رغم زندگی با سایه در ذهن خود درگیر عشق قدیمی است. با وجود عشق وافر سایه به مرد، او هنوز در دالان‌های ذهنش به دنبال عشقی است که سال‌ها پیش او را مبتلای مهتاب کرده است: «سایه خوب است. اما مهتاب هزار جمله است.» (مستور، ۱۳۸۵: ۲۷). «هر چه فکر کرد نتوانست بفهمد که این صدای سایه بود یا مهتاب.» (همان: ۳۱). در همین مجموعه، نویسنده راوی عشق بین یوسف و مونس است، عشقی که این بار نیز ناکام می‌ماند، مونس دل در گرو عشق یوسف می‌نهد اما فرجام این عشق، ناکامی مونس است چون یوسف به دلیل پایبندی به عشق نامزدش - که اینک او را از دست داده - نمی‌تواند پاسخ‌گوی عشق مونس باشد: «دلم نمی‌خواهد این وضع ادامه پیدا کند، نامزد من دو سال قبل در تصادف رانندگی از دست دادم و بعد از او نمی‌خواهم یعنی نمی‌توانم دوباره عاشق شوم، حسی ناشناخته به من می‌گوید که باید از این عشق پرهیز کنم.» (همان: ۱۴۸). در داستان «معسومیت»، نادیا از جمله این زنان است که طعم تلخ خیانت را می‌چشد، اردی با نادیا ازدواج می‌کند در حالی که در دنیای ذهنی خود، هنوز به یاد عشق از دست رفته‌اش، راضیه است، او هنوز نتوانسته با خاطره راضیه و مرگ او کنار بیاید و با وجود نادیا، در خیالش همنشین راضیه است. نادیا زجرآورترین حس ناشی از خیانت را در این رابطه تجربه می‌کند: «گفت وقتی می‌رن کافه گیلان، اردی اسرار داره سر میز به خصوص بنشینند چون قبلاً با راضیه سر اون میز می‌نشسته.» (مستور، ۱۳۷۷: ۱۵۲). «گفت تک تک کتاب‌هایی رو که به راضیه هدیه داده، داره دوباره برای اون [نادیا] می‌خره.» (همان: ۱۵۳). از این رو، عشق زنان در داستان‌های مستور عقیم می‌ماند، شریک عاطفی این زنان، به سهولت، علاقه و دوستی خود را به باد فراموشی می‌سپارند. هر چند این زنان بارها در مقام معشوق، پرستیده می‌شوند و تا حد جنون بدن‌ها عشق ورزیده می‌شود اما در مدت زمان کوتاهی، عواطف آنان قربانی عشق‌های سوزان و زودگذر مردها می‌شود. در رمان «تهران در بعدازظهر» سوفی، معشوق پسری است که سوفی را تا لب چشم عشق می‌برد اما آن گاه که عطش روحی سوفی برای عشق نمایان می‌شود، او را لب تشنه وامی‌گذارد و عاطفه سوفی عقیم می‌ماند. این رفتار، شکلی از خیانت است که روان زنان را تهدید می‌کند: «خب من خسته شده‌ام. از عاشقی تو و دوست داشتن‌های شدید... اتفاق تو نباید می‌افتاد و حالا که افتاد من باید خودم را عادت بدهم به فراموش کردن آن.» (مستور، ۱۳۸۹: ۳۰). مهراوه از دیگر زنان آثار مستور است که در «حکایت عشقی بی‌قاف...» درگیر عشقی ناکام می‌شود و با شنیدن سخنان سرد و بی‌عاطفه مرد، طعم تلخ خیانت را می‌چشد: «سلام دیروز موبایل من رو ازم گرفتند. به خاطر تلفن ظهر چهارشنبه شما.» (مستور، ۱۳۹۹: ۸۱). در داستان «چند مسأله مهم» نویسنده، راوی زندگی مردی به نام فرخ است که به زنش خیانت کرده و با هنرپیشه‌ای رابطه برقرار می‌کند: «فرخ از شش ماه پیش درگیر ماجرای عاشقانه با یکی از بازیگران مشهور سینما شده است که هر لحظه امکان افشای آن وجود دارد. از این رو او به دنبال راهی برای متارکه با همسرش فعلی‌اش است.» (مستور، ۱۳۸۹: ۸۷). در داستان‌های مستور، خیانت یا به صورت آشکار وقوع پیدا می‌کند یا مردها، نمی‌توانند عشق‌های پیشین خود را فراموش کنند و در عین حال با زنی دیگر وارد رابطه عاطفی شده و در عین ناتوانی از فراموشی گذشته، روان زن یا معشوق بعدی خود را به شدت می‌آزارند. این مورد در آثار مستور بسامد بالایی دارد و اکثر خیانت‌ها به این شکل نمایان می‌شود و نویسنده تبعات تلخ حاصل از این خشونت را در روان زنان نشان می‌دهد. خیانت در هر شکل خود، مصداقی از نقض اخلاق حسنه است که در منابع حقوقی به عنوان عامل اخلاق در نظم عمومی شمرده می‌شود و نیازمند پیگرد قانونی است.

ج) مردسالاری: در جوامعی که نظام مردسالاری حاکم است، «مردان آن جامعه از موقعیت‌های اجتماعی مثل قدرت، ثروت، احترام و مقام، سهم بیش تری دارند. دسترسی روزافزون مردان به امتیازات اجتماعی، محصول پایداری نظام مردسالاری در یک جامعه است. در چنین جامعه‌ای مردان در درون و بیرون از خانواده قدرتمندند و این قدرت، سبب تقسیم ناعادلانه مزایای اجتماعی بین مردان و زنان شده به دنبالش خشونت پنهان علیه زنان روا داشته می‌شود.» (اعزازی، ۱۳۸۰: ۵۵ و ۶۵). مردسالاری یعنی «

نظامی که به وسیله نهادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... سعی دارد زنان را تحت سلطه خود درآورد. «نعمتی قزوینی، ۱۳۹۷: ۵۶۶». مردسالاری، آزادی، امنیت و حق زندگی را از زنان می‌رباید، این درحالی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۳، «تأکید شده است که همه انسان‌ها حق زندگی، آزادی و امنیت دارند.» (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۳). برخی از داستان‌های مستور، نمایش جامعه سنتی مردسالاری است که زنان در آن، قربانی نظام حاکم هستند. آنان موجوداتی ضعیف و منفعل هستند که زیر سلطه مردان، زندگی می‌کنند. آنان در برابر خواست و اراده مردان خانواده، تسلیم هستند و نمی‌توانند از خود اراده‌ای داشته باشند. لذا آزادی خود در انتخاب نوع زندگی را از دست می‌دهند و معمولاً امنیت شخصی در زندگی آنان جایگاهی ندارد و چون این رفتارها مخالف با قانونی جهانی حقوق بشر است می‌تواند منجر به اخلال در نظم عمومی شود. در داستان «عشق روی پیاده‌رو»، فروغ دختر جوان عاشقی‌ست که قربانی عشق می‌شود و شنیع‌ترین خشونت را تجربه می‌کند. او عاشق پسر جوانی می‌شود که برادرش مخالف این عشق است، در پایان داستان، برادر چاقویی در شکم پسر فرو می‌برد و او را به جرم عشق به خواهرش می‌کشد. فروغ اراده عشق‌ورزی ندارد و اگر عاشق شود مرگ معشوق را تجربه کرده و به شدت آسیب عاطفی می‌بیند. «اجازه ندادند فروغ را ببینم. یادداشتی روی پاکت سیگار مچاله شده‌ای برایش نوشتم و به پرستاری دادم تا به او بدهد.» (مستور، ۱۳۷۸: ۵۶). «از ترس یعقوب، برادرش، زیاد همدیگر را نمی‌دیدیم. یک بار دزدکی با هم رفتیم سینما.» (همان: ۵۳). در داستان «چند روایت معتبر» می‌توان چهره رنج دیده زنی به نام مونس را دید که از هراس پدر، عاشقی را فراموش می‌کند. نادیده گرفتن عواطف زن و سرکوب آن، شکل دیگری از خشونت است که در جامعه مردسالار رواج دارد: «امروز صبح نامه‌ها را سوزاندم، از ترس بابام، دیروز موضوع را به مادرم گفتم، مادرم گفت حق با تو است. گفت بهتر است این عشق بی‌پایه را تمام کنم. گفت در خانواده ما عاشقی برای دختر ننگ است. گفت اگر پدرت بفهمد چی؟» (مستور، ۱۳۸۵: ۱۵۵-۱۵۶). مریم در داستان «من دانای کل هستم» نیز قربانی فرهنگ مردسالاری است. او عاشق می‌شود اما با مخالفت مادر و داییش، خشونت عاطفی را در وداع با این عشق لمس می‌کند: «مریم از دانشکده که بیرون آمد تکه کاغذی را انداخت جلوی امیر که ساعت‌ها منتظرش مانده بود؛ تو را برای ابد ترک می‌کنم.» (مستور، ۱۳۸۳: ۵۹). مسأله حضانت کودکان بعد از طلاق، از دیگر نتایج جامعه مردسالاری است که روح و روان زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. طبق قانون مدنی «برای حضانت و نگهداری کودکی که والدین او از هم‌دیگر جدا شده‌اند، مادر تا سن هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است. بعد از هفت سالگی در صورت حدوث اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک به تشخیص دادگاه می‌باشد.» (ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۱۳۸) (رضایی، ۱۳۹۵: ۱۰۵). در آثار مصطفی مستور، زنان در پروسه طلاق معمولاً از کودکانشان جدا می‌شوند و حضانت طفل به پدر سپرده می‌شود. این مسأله، سبب آسیب‌های روانی متعددی به زنان می‌شود. در رمان «استخوان خوک و دست‌های جذامی»، تلاش مادر درنا برای به عهده گرفتن حضانت او، بیانگر آسیب و رنجی است که مادر در دوری از فرزند خود، متحمل می‌شود: «در مورد درنا باید بگم بهتره بیش‌تر از این مراقبش باشی. وکیل خانم‌تون داره مدارکی رو برای دادگاه جمع می‌کنه تا ثابت کنه شما شایستگی سرپرستی اون رو ندارید.» (مستور، ۱۳۹۷: ۹). درنا در خانه پدری است و مادرش از او جدا زندگی می‌کند، مرد تمام توان خود را به کار می‌بندد تا نگذارد مادرش حضانت طفل را بر عهده بگیرد. وکیلی که استخدام می‌کند تمام قوانین را به نفع مرد به کار می‌گیرد تا مانع تصمیم مادر شود: «نصرتی گفت سیمین باز شکایت کرده، می‌خواد با اثبات عدم کفایت من حضانت درنا را به عهده بگیره.» (همان: ۲۴). در رمان «معسومیت»، راوی بعد از جدا شدن پدر و مادر با پدرش زندگی می‌کند: «وقتی پدرم از مادرم جدا شد، مادرم رفت خونه پدر بزرگ تو جیحون. من و پدرم تو آپارتمان منیره موندیم.» (مستور، ۱۳۷۷: ۱۹). جدایی فرزند از مادر در نظام مردسالاری، از نمونه‌های برجسته خشونت پنهان است که روان زنان را تهدید می‌کند. در داستانهای مستور فرهنگ مردسالاری در دو حوزه خود را نشان می‌دهد: عشق و حضانت طفل. معمولاً در لابه لای روایت‌ها، زنان به جرم عاشقی، از سوی این فرهنگ محکوم می‌شوند، روان آنان آزرده شده و تبعات رنج‌آوری شامل آنان می‌شود، عشق خود را از دست می‌دهند و گاهی شاهد وقوع صحنه‌های خشونت باری می‌شوند (قتل معشوق) که روان آنان را آشفته می‌کند. دومین حوزه، از دست دادن کودک و محرومیت مادر از دیدار فرزندان است. باتوجه به شواهد ارائه شده در سطور فوق، می‌توان گفت زنان به خاطر دفاع از حقوق خود، گاهی در فرهنگ مردسالاری مجبور می‌شوند فرزند خود را از دست بدهند و همسران آن‌ها به دلیل حاکمیت فرهنگ مردسالاری این قدرت را دارا هستند که به خاطر دیدار فرزندان، زنان را تحت

فشارهای روانی عمیقی قرار بدهند. با استناد به قوانین و در نظر گرفتن اصول اخلاقی، می‌توان نمودهای مردسالاری را خلاف قانون و اخلاق حسنه دانست و آن را از عوامل مهم نقض نظم عمومی محسوب کرد. دور کردن مادر از فرزند، فعلی ضد اخلاقی است که عواطف مادر و فرزند و به دنبال آن، عواطف عموم را جریحه‌دار می‌کند. همچنین محروم کردن زنان از حقوق خود در انتخاب همسر، رفتاری غیرقانونی و مخالف با اعلامیه حقوق بشر است که می‌تواند مصداق نقض نظم عمومی در آثار مصطفی مستور باشد.

۳. خشونت آشکار-پنهان

۱.۳. خشونت جنسی: زمانی که زنان به خاطر جنسیت‌شان دچار صدمه‌های روحی و روانی می‌شوند، خشونت جنسی را تجربه می‌کنند: «تحمیل سقط جنین به زنان، ارتباط جنسی خلاف خواست زن، اجبار به روابط نامتعارف جنسی و رفتارهایی که در روابط جنسی موجب آزار زن می‌شوند، از مصادیق خشونت جنسی هستند.» (دانش و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۷). خشونت آشکار و پنهان در این نوع، به طور کامل هویداست، جسم زنان در این رفتار غیرانسانی آسیب می‌بیند به این دلیل می‌توان آن را از نوع خشونت آشکار محسوب کرد اما تبعات روحی و روانی آزارهای جنسی برای زنان فراوان و بسیار رنج آور است. تحقیر، اهانت و کم انگاری زنان به شدت روان آنان را در معرض آشفتگی قرار می‌دهد و بسیاری از بیماری‌های روانی را سبب می‌شود از این رو می‌توان آن را در شمار خشونت پنهان حساب کرد. علاوه بر این، خشونت‌های جنسی به دلیل «جریحه‌دار کردن عفت عمومی، در قوانین مجازات اسلامی جرم تلقی شده اند.» (یوسف‌وند و عابدیان، ۱۳۹۶: ۱۰۱). ز این رو یکی از عوامل اخلال در نظم عمومی به شمار می‌روند. رفتارهایی که عفت عمومی را نقض می‌کنند، جرم تلقی شده و در نظم عمومی اخلال ایجاد می‌کنند: «طبق قانون مجازات اسلامی، در مواد ۶۳۸-۶۴۱ این رفتارها جرم نامیده شده‌اند.» (همان).

الف) تجاوز: در آثار مصطفی مستور، زنان، خشونت‌های جنسی متعددی را تحمل می‌کنند. در داستان «چند روایت معتبر درباره دوزخ»، نویسنده از مکثات درونی زنانی سخن می‌گوید که تن‌فروشی می‌کنند، این زنان بر خلاف میل و اراده خود، در ازای پول، روسپی‌گری می‌کنند. آنان در این روایت، آشفتگی‌های روحی خود را به نمایش می‌گذارند. عدم رضایت از زندگی، احساس حقارت، حس طردشدگی، از دست دادن ارزش‌های انسانی، از پیامدهای زندگی این زنان است؛ پوری نمونه‌ای یکی از این زنان است «پوران می‌گه وقتی یکی می‌آد و کارش رو می‌کنه و می‌ره انگار یه پله ما رو فشار می‌ده پایین. می‌گه ممکنه اون پایین جای خوبی باشه اما هر چی باشه پایینه. می‌گه حس می‌کنی یک نفر شونه‌هات رو گرفته و با فشار تو رو هل می‌ده پایین. تو پول، تو لجن.» (مستور، ۱۳۸۵: ۵۰). شخصیت زن این داستان وقتی به مرور خاطراتش می‌پردازد، از پله‌هایی حرف می‌زند که لعنتی بودند و او را به قعر فلاکت سوق می‌دادند. این احساس، حاکی از روان رجور زنان در واکنش به این رفتارهای خشونت‌زا است: «حالا که فکرشون رو می‌کنم می‌بینم واسه نوشتن این چیزها هیچ دلیلی نداشتم. شاید واسه پیدا کردن یه چیز مشترک تو همه شون، شاید واسه شمردن اون پله‌های لعنتی.» (همان: ۵۳). برخی از رفتارها در خشونت جنسی مثل تجاوز (۲)، بسامد بالایی دارند و معمولاً در بیش‌تر جمعیت زنان مشاهده می‌شوند. این رفتارها بازتابی از واقعیت‌های اجتماعی است که هنوز زنان در آن، جایگاه مناسب و انسانی خود را نیافته‌اند. این رفتار، علاوه بر تبعات روانی، گاهی مرگ زنان را هم سبب می‌شوند: «زنانی که قربانی تجاوز می‌شوند اعتماد به نفس و آزادی خود را از دست می‌دهند و به شدت احساس تحقیرشدگی می‌کنند. این دسته از زنان در آینده نمی‌توانند به احیای حقوق خود بپردازند. با فقدان اعتماد به نفس، ناتوان از ادای مسؤولیت اجتماعی و خانوادگی خود می‌شوند.» (تیموری و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۳). مصطفی مستور در آثارش بارها، سیمای زنانی را به تصویر می‌کشد که در معرض تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند و جان خود را از دست داده‌اند. در مجموعه «چند روایت معتبر» مینو دختر ده ساله‌ای است که قربانی تجاوز می‌شود: «توی گزارش پزشک قانونی اومده که به دختره تجاوز شده و با ابزار نوک‌تیزی از جنس شیشه یا فلز گوش تا گوش سرش رو بریده‌اند... دو نفر، بله، دو نفر.» (مستور، ۱۳۸۵: ۶۶). در مجموعه «حکایت عشق بی‌قاف...»، زنی به خاطر تعرض شوهرش، او را می‌کشد. این میزان از خشونت علیه همسر، محصول آشفتگی روانی زنی است که از سوی همسر خیانت دیده و در معرض خشونت پنهان قرار دارد: «پس چرا این کار رو کرده؟ منظورم اینه که زنه واسه چی شوهرش رو کشته؟ واسه این که شوهرش اون رو لمس کرده بود. همین،

گفته شوهرش رو به این خاطر کشته که اون رو لمس کرده و او قبلاً بهش اخطار کرده بود دیگه حق چنین کاری رو نداره.» (مستور، ۱۳۹۹: ۱۷). روسپی‌گری، تجاوز و قتل به سبب تجاوز از تبعات خشونت جنسی علیه زنان در آثار مستور است. نویسنده کوشیده با ترسیم تبعات حاصل از این خشونت، زندگی نابود شده این زنان را به نمایش درآورد و آشفتگی‌های روانی زنان را ریشه‌یابی کند. تجاوز و روسپی‌گری را می‌توان عملی خلاف عفت عمومی دانست که در قوانین، یکی از مصادیق برهم زنده نظم عمومی از آن یاد شده است لذا می‌توان آن را ناقض نظم عمومی تلقی کرد: «عفت عمومی مرتبه‌ای از عفت است که نوع مردم نه (عموم) به حفاظت از آن تمایل شدید داشته باشند و معمولاً پیرو شرایط زمان و مکان است.» (جعفرلنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۴: ۲۵۵۲). با تکیه بر این تعریف می‌توان گفت علاقه مردم به مراقبت از عفت یا خویشتن‌داری در برابر تمایلات شهوت‌آمیز، خصوصیت اصلی عفت عمومی محسوب می‌شود.

ب) ازدواج اجباری: از دیگر مصادیق خشونت جنسی در آثار مصطفی مستور، ازدواج اجباری است. «ازدواج رابطه‌ای حقوقی محسوب می‌شود که شرط اصلی آن، علاقه دو طرف برای این عهد است. آزادی زن و مرد در انتخاب همسر نقش مهمی در ازدواج دارد و اگر اجباری در کار باشد، ازدواج تحقق نمی‌یابد. اجبار در ازدواج، نادیده گرفتن حقوق بشر است. بنابراین، برای حفظ کرامت و حیثیت انسانی و ارج نهادن به اصل اراده انسانی، انتخاب همسر باید به دور از اجبار بوده و حق افراد در انتخاب آزادانه از سوی نهادهای حقوقی باید پذیرفته شود.» (امیری، ۱۳۸۹: ۲۸۶-۲۸۷). در مسأله کودک همسری، این اصل، نقض می‌شود. زنان به دلیل سن کم، از آزادی اراده برخوردار نیستند و معمولاً یا ناآگاهانه و یا به صورت اجبار، به امر ازدواج گردن می‌نهند، از این رو، ازدواج اجباری به دلیل تبعات روانی و جسمی یک خشونت محسوب می‌شود. به این مسأله در آثار مستور کمتر اشاره شده و فقط می‌توان به یک مورد استناد کرد اما همین یک مورد نیز منعکس‌کننده واقعیت جامعه‌ای است که کودک همسری در آن رواج دارد و یکی از مصادیق مهم خشونت جنسی علیه زنان به شمار می‌رود. در رمان «عشق روی پیاده رو» طلعت از این که با مردی بسیار بزرگ‌تر از خود در سن سیزده سالگی ازدواج می‌کند، گریه می‌کند: «گیرم که حیدر پنجاه و هفت سالی از طلعت بزرگ‌تر باشد، خب به تو چه مربوط است؟ گریه می‌کند؟ بکند. سیزده ساله به خانه بخت می‌رود؟ برود.» (مستور، ۱۳۷۸: ۳)

ج) تن‌فروشی: یکی از مصادیق مهم خشونت از نوع اقتصادی که مرتبط با آزارجنسی‌ست، تن‌فروشی زنان است. مصطفی مستور در لابه لای آثارش، گاه زندگی زنانی را روایت می‌کند که به خاطر تأمین مالی، تن می‌فروشند. در داستان «چند مسأله مهم»، قدسی زن جوانی است که برای فرار از زندگی مردی که او را مکرر مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد طلاق می‌گیرد اما برای تأمین هزینه‌ها به عقد موقت در می‌آید، رفتاری که صورت قانونی تن‌فروشی است: «پس از طلاق، برای تأمین هزینه دادرسی و پرداخت حق الوکاله به عقد موقت وکیل خود درآمد.» (مستور، ۱۳۸۹: ۸۴). در داستان «چند روایت معتبر از دوزخ»، نویسنده زندگی زنانی را به نمایش درمی‌آورد که یک‌جا جمع شده‌اند و برای به دست آوردن پول، تن‌فروشی می‌کنند: «به سودی گفتم چی می‌گه؟ گفت: می‌گه چند؟ به تومن نرخ ندی خره! به دلار بگو. سودی هفت انگشت نشان داد و گفت: sevnty dollars.» (مستور، ۱۳۸۹: ۵۲). تن‌فروشی از نمودهای مهم نقض اخلاق حسنه است که منجر به نقض نظم عمومی می‌شود: «رفتارهایی که برخلاف اخلاق حسنه هستند، نقض نظم عمومی به شمار می‌روند. از لحاظ علم منطقی، رابطه میان این دو، رابطه عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی، آنچه خلاف اخلاق حسنه است به طور حتم، ناقض نظم عمومی هم است اما ممکن است قراردادی نقض‌کننده نظم عمومی باشد ولی از نظر اخلاقی، ناپسند محسوب نشود.» (یوسف‌وند و عابدیان، ۱۳۹۶: ۹۶). بر طبق تعریف «اخلاق حسنه» هرگاه «شأن و منزلت انسانی در معاشرت نادیده گرفته شود و محبت و مهرورزی بین افراد دچار خدشه گردد، اخلاق حسنه نقض می‌شود.» (یوسف‌وند و عابدیان، ۱۳۹۶: ۹۷). تعمق در منزلت فرومایه زنانی که در آثار مستور تن‌فروشی می‌کنند نقض اخلاقی را آشکار می‌کند، این زنان در ارتباط‌های خود، هرگز رابطه مبتنی بر مهر و محبت را احساس نمی‌کنند، اخلاق در سراسیمه‌ی سقوط قرار می‌گیرد و به دنبال آن، نظم عمومی برهم می‌ریزد.

د) تعدد زوج: تعدد زوجه به دلیل تبعات روانی یک خشونت محسوب می‌شود. هر چند این مورد در آثار مصطفی مستور فقط یک مورد است اما همین یک مورد نیز گویای وقایعی است که در جامعه نویسنده در جریان است و تبعات تلخ و آزاردهنده‌ای برای زنان

دارد. مستور در داستان «چند مسأله مهم» روایتگر زندگی زنی است که همسرش فجیع‌ترین خشونت جنسی-روانی را علیه او اعمال می‌کند. این مرد پدر یکی از شخصیت‌های اثر به نام شادی است: «پدر شادی به سه روسپی و دو زن صیغه‌ای اش رابطه دارد.» (مستور، ۱۳۸۹: ۸۶).

علاوه بر مصادیق خشونت جسمی که به دلیل سلب آرامش و آسایش جامعه به ویژه اجتماع زنان، عاملی برای اخلال در نظم عمومی هستند، مصادیق خشونت‌های پنهان هم می‌توانند اخلال در نظم عمومی را سبب شوند. نقض اخلاق حسنه از طریق خشونت‌های روانی و جنسی، مهم‌ترین زمینه اخلال در نظم را فراهم می‌کنند: «نظم عمومی با اصول اخلاقی پیوندی محکم و دو جانبه دارد از این رو، هرگز حقوق نمی‌تواند اخلاق را نادیده بگیرد.» (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ج ۱: ۱۸۱). به تعبیری، با وجود اینکه اخلاق مسؤولیت هدایت افراد را بر عهده دارد اما هدف نهایی آن ایجاد نظم عمومی است؛ چون در اجتماع، برای ایجاد نظم عمومی، افراد با اخلاق و درستکار نیاز است. (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۴۱۰). در آثار مستور، بی‌توجهی به زنان، خیانت، بدرفتاری، تن فروشی، ازدواج اجباری، تجاوز و تعدد زوجه می‌توانند در کنار نمودهای خشونت، مصادیق نقض اخلاق حسنه باشند که اخلال در نظم عمومی جامعه را سبب می‌شوند.

پی‌نوشت‌ها

(۱). خیانت از مهم‌ترین ابزارهای خشونت روانی علیه زنان است؛ چون «هنگامی که مردی علیه همسرش به خیانت مرتکب می‌شود در حقیقت این پام را به او ارسال می‌کند که او را قبول ندارد، این حس، سرخوردگی و افسردگی زنان را سبب می‌شود.» (عاشقی قلعه، ۱۳۹۸: ۱۴). از این رو، یکی از ابعاد پررنگ خشونت محسوب می‌شود چون باعث از هم پاشیدگی روان زنان می‌شود.

(۲). «تجاوز نوعی تبعیض جنسی است که دربرگیرنده رفتارهایی مثل: پیشنهادهای فریب‌کارانه و ناخواسته جنسی است که تلاش دارد رضایت جنسی مخاطب را به دست آورد.» (همان: ۱۲).

نتیجه

با بررسی مؤلفه‌های حقوقی در داستان‌های مصطفی مستور و مطالعه موردی خشونت خانگی علیه زنان به عنوان عامل نقض نظم عمومی در این آثار نتایج زیر به دست آمد:

خشونت خانگی در بیش‌تر آثار مستور در رابطه با زنان نمود دارد. این رفتار علیه زنان اغلب از سوی همسران و افراد نزدیک صورت می‌گیرد. مصطفی مستور در روایت‌هایی از زندگی زنان، بروز خشونت جسمی، روانی و جنسی علیه آنان را به تصویر می‌کشد. در آثار او خشونت جسمی به عنوان نمودی از خشونت آشکار، شامل قتل، مرگ، خودکشی و سقط جنین است. زنان معمولاً از سوی همسران خود مورد خشونت قرار گرفته و کشته می‌شوند یا در شرایط بسیار ناگواری قرار می‌گیرند که زمینه مرگ ناخواسته برایشان ایجاد می‌شود. پدیده زایمان و سقط جنین اجباری از مصادیق رفتارهایی است که به دنبال خشونت علیه زنان، منجر به مرگ آنان می‌شود. این رفتارها به دلیل سلب آرامش و آسایش جمعیت بزرگی از جامعه زنان، عاملی برای اخلال در نظم عمومی شمرده می‌شوند. خشونت روانی در آثار مستور بیش‌تر در سه حوزه مطرح است: بی‌توجهی به زنان، خیانت و فرهنگ مردسالاری. زنان معمولاً از جانب همسران خود مورد بی‌توجهی واقع می‌شوند، تعادل روانی خود را از دست داده و معمولاً مجبور به ترک خانه می‌شوند. خیانت بیش‌تر شامل خیانت عاطفی به همسران است. حاکمیت فرهنگ مردسالاری سبب ناکامی در عشق و محرومیت از فرزند است که زنان آثار مصطفی مستور آن را تجربه می‌کنند و روان آنان در معرض آشفتگی قرار می‌گیرد. در آثار مستور، نویسنده، روسپی‌گری زنان، تجاوز، تن فروشی، تعدد زوجه و ازدواج اجباری (کودک همسری) را از تبعات خشونت جنسی نشان می‌دهد که منجر به آشفتگی‌های روانی زنان می‌شود. در یک نظر کلی، زنان با هر سه نوع خشونت جسمی، جنسی و روانی در داستان‌های مستور رو به رو هستند و تبعات خشونت، در روان زنان بیش‌تر نشان داده می‌شود. اقدام به خودکشی، تصمیم به ترک

خانه و فرزند، کم انگاری و احساس طردشدگی از تبعات روانی خشونت علیه زنان است که به دنبال رفتارهای آسیب‌زا علیه آنان ایجاد می‌شود و در این میان، خشونت روانی و جنسی، بیش‌ترین تأثیر بر روان آنان دارد و در خشونت جنسی، معمولاً، زندگی زنان با قتل و مرگ نابود می‌شود. از تبعات مهم خشونت روانی در آثار مستور، می‌توان به اخلال در نظم عمومی هم اشاره کرد چون رفتارهایی از قبیل خیانت، تجاوز، تن فروشی، ازدواج اجباری، بی‌توجهی به زنان و تعدد زوجه از مصادیق نقض اخلاق حسنه هستند و رواج آن‌ها در جامعه، مانع از برقراری نظم در جامع می‌شود. دومین دلیل در آثار مستور که ناقض نظم عمومی است مخالفت با قوانین بین‌المللی است، برخی از رفتارها مثل مردسالاری که مصداق مخالفت با قوانین است می‌تواند نمودی از اخلال در نظم عمومی باشد.

فهرست منابع

- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- امیری، فاطمه (۱۳۸۹). توسعه حقوق بین‌المللی کیفری بر پایه جرم انگاری ازدواج به عنوان جنایت علیه بشریت توسط دادگاه ویژه سیرالئون. مجله حقوقی بین‌المللی، سال ۲۷، شماره ۴۳، ص ۲۶۷-۲۹۱.
- باقری، بهادر (۱۳۹۵). چهره قدسی زن و عشق در داستان‌های مصطفی مستور. پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت، شال ۵، شماره ۱، ص ۷۳-۹۰.
- تیموری، سمیرا (۱۳۹۶). نقد فمینیستی رمان رازی در کوچه‌ها اثر فریبا وفی. پژوهش‌نامه نقد ادبی و سبک‌شناسی، سال سوم، شماره ۲۹، ص ۱۰۳-۱۳۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- چلبی، م (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نشر نی.
- حسینی، سید هادی (۱۳۸۴). تحولات قانون سقط جنین در استرالیا در آینه روند جهانی. نشریه حقوق اساسی، سال سوم، شماره پنجم، ۸۰-۹۸.
- حمزه هویدا، مهدی و مریم فخاریان (۱۴۰۳). مفهوم نظم عمومی و رابطه آن با اخلاق حسنه در حقوق ایران. نشریه مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره ۳۴، ص ۱۰۹-۱۳۷.
- دانش، پروانه و همکاران (۱۳۹۶). تحلیل جامعه‌شناختی خشونت خانگی علیه زنان و رابطه آن با احساس امنیت در خانه. نشریه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال ۶، شماره ۱۶، شماره اول، ص ۴۷-۷۲.
- رضایی، علی (۱۳۹۵). حضانت فرزند بالغ. فصلنامه رأی، مطالعات آراء قضایی، شماره ۱۴، ص ۹۹-۱۱۳.
- روی، م (۱۳۷۷). زنان کتک خورده: روان‌شناسی خشونت در خانواده. ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران: نشر علمی.
- رئیزی، سمیه و داریوش بوستانی (۱۴۰۰). «مطالعه کیفی خشونت علیه زنان بلوچ. فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، دوره ۱۲، شماره ۴۶، ص ۴۶-۶۵.
- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۹). خشونت خانوادگی علیه زنان، بررسی، علل و درمان با نگرش به منابع اسلام. قم: نشر هاجر.
- شیخ بهایی، جمال الدین محمد (۱۴۰۰). خشونت خانگی علیه زنان در پرتو نظام حقوق بشر بین‌المللی. مجله حقوق پزشکی، دوره پانزدهم، شماره پنجاه و شش، ص ۱-۱۷.

- عابدی، نسیم و احسان اسدی (۱۴۰۴). احکام حقوقی درمان‌های بدون نتیجه. نشریه مطالعات حقوق، دوره جدید، شماره ۸.
- عاشقی قلعه، لیلا و همکاران (۱۳۹۸). خشونت علیه زنان در آثار داستانی نویسنده زن معاصر فریبا وفی. نشریه علمی زن و فرهنگ، سال ۱۱، شماره ۴۲، ص ۷-۱۹.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۹). دانش نامه فقه سیاسی، تدوین ابراهیم موسی زاده. تهران: دانشگاه تهران.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۸). حقوق بشر در جامعه معاصر، دفتر یکم: درآمدی بر مباحث نظری. مفاهیم، مبانی قلمرو و منابع، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۳). فلسفه حقوق. جلد اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). حقوق مدنی، قواعد عمومی قرار دادها. تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.
- کورنو، جیرار (۱۹۹۸). المعجم المصطلحات القانونية. بیروت: مؤسسه الجامعیه للدراسات.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- محبی، سیدفاطمه (۱۳۸۰). آسیب شناسی اجتماعی زنان، خشونت علیه زنان. فصل نامه کتاب زنان، سال پنجم، شماره ۱۴، ص ۹۰۹-۸۹۶.
- مستور، مصطفی (۱۳۷۷). معسومیت. تهران: نشر مرکز.
- مستور، مصطفی (۱۳۷۸). عشق روی پیاده رو. تهران: نشر رسش.
- مستور، مصطفی (۱۳۸۳). من دانای کل هستم. تهران: نشر ققنوس.
- مستور، مصطفی (۱۳۸۵). چند روایت معتبر. تهران: نشر چشمه.
- مستور، مصطفی (۱۳۸۷). من گنجشک نیستم. تهران: نشر چهار پایه.
- مستور، مصطفی (۱۳۹۵). بهترین شکل ممکن. تهران: نشر چشمه.
- مستور، مصطفی (۱۳۹۷). استخوان خوک و دست‌های جذامی. تهران: نشر چشمه.
- مستور، مصطفی (۱۳۹۹). حکایت عشقی بی قاف و بی شین و بی نقطه. تهران: نشر چشمه.
- مستور، مصطفی (۱۳۸۹). تهران در بعد از ظهر. تهران: نشر چشمه.
- معینیان، نریمین (۱۳۹۴). تحلیلی بر خشونت علیه زنان در خانواده. زن و مطالعات در خانواده، سال پنجم، شماره هفدهم، ص ۱۳۱-۱۴۶.
- مقصودی، سوده و همکاران (۱۳۹۴). بررسی انواع خشونت‌های اعمال شده علیه زنان در رمان پریچهر. نشریه زن و مطالعات خانواده، شماره ۲۹، ص ۲۳-۴۰.
- میرخیلی، محمود و همکاران (۱۴۰۱). عناوین مجرمانه فراگیر و چالش‌های حقوقی آن در سایت کیفری ایران. نشریه مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، شماره ۲۶، ص ۲۳۷-۲۶۸.

نعمتی قزوینی، معصومه (۱۳۹۷). زنان و گفتمان مردسالاری در ادبیات داستانی مصر. نشریه زن در فرهنگ و هنر، دوره ۹، شماره ۱۴، ص ۵۶۱-۵۷۱.

نهادوندی، م (۱۳۸۶). پروژه کیفی در باب خشونت علیه زنان. مجموعه مقالات همایش زن و پژوهش، تهران: دانشگاه تهران. مرکز مطالعات و تحقیقات زنان.

واصفی، صبا و حسن ذوالفقاری (۱۳۸۸). خشونت علیه زنان در آثار محمود دولت آبادی. پژوهش زنان، سال ۷، شماره ۱، ص ۶۷-۸۶.

یوسفوند، محسن و سید حسن عابدیان (۱۳۹۶). جایگاه حقوقی نظم عمومی، در معارف اسلامی و اسناد بین المللی. نشریه اندیشه‌های حقوق عمومی، سال ۵، شماره اول، ص ۸۷-۱۰۶.

کلامی، ف (۱۳۷۸). بررسی عوامل مؤثر در زن آزاری در یکصد مورد مراجعه کننده به پزشکی قانونی تبریز. پایان نامه دکتری علوم پزشکی تبریز.

سازمان ملل متحد (۱۹۹۳). اعلامیه رفع خشونت علیه زنان.

سازمان ملل متحد (۱۹۴۹). اعلامیه جهانی حقوق بشر.

Azzazi, S. (2001). *Sociology of the family*. Tehran: Roshangaran & Women's Studies Publications. (in persian)

Amidzanjani, A. A. (2010). *Encyclopedia of political jurisprudence* (E. Mousizadeh, Ed.). Tehran: University of Tehran Press. (in persian)

Chelbi, M. (1996). *Sociology of social order*. Tehran: Ney Publishing.

Cornu, G. (1998). *Lexique des termes juridiques* [Dictionary of legal terminology]. Beirut: Al-Jami'a Institution for Studies.

Giddens, A. (2002). *Sociology* (M. Sabouri, Trans.). Tehran: Ney Publishing. (in persian)

Jafari Langaroudi, M. J. (2002). *Mabsut dar terminology-ye hoghugh* [An extensive treatise on legal terminology]. Tehran: Ganj-e Danesh Library. (in persian)

Katouzian, N. (2004). *Civil law: General rules of contracts*. Tehran: Sherkat-e Sahami Enteshar with Bahman Borna. (in Persian)

Katouzian, N. (1994). *Philosophy of law* (Vol. 1). Tehran: Sherkat-e Sahami Enteshar. (in Persian)

Klein A. (2019) *Practical Implication of Current Domestic Violence Research: For Law Enforcement, Prosecutors and Judges*. Washington: US Department of Justice.

Mastoor, M. (2010). *Tehran in the afternoon*. Tehran: Cheshmeh Publishing. (in persian)

Mastoor, M. (1999). *Love on the sidewalk*. Tehran: Reshesh Publishing. (in Persian)

Mastoor, M. (1998). *Innocence*. Tehran: Markaz Publishing. (in Persian)

- Mastoor, M. (2016). *The best possible form*. Tehran: Cheshmeh Publishing. (in Persian)
- Mastoor, M. (2006). *Several reliable narratives*. Tehran: Cheshmeh Publishing. (in Persian)
- Mastoor, M. (2020). *A love story without dots or letters*. Tehran: Cheshmeh Publishing. (in Persian)
- Mastoor, M. (2008). *I am not a sparrow*. Tehran: Chahar Payeh Publishing. (in Persian)
- Mastoor, M. (2018). *Pig bones and leprous hands*. Tehran: Cheshmeh Publishing. (in Persian)
- Mastoor, M. (2004). *I am the omniscient narrator*. Tehran: Ghoghnoos Publishing. (in Persian)
- Miles J, George R, Harris-Short S. (2019) *Family Law: Text, Cases, and Materials*. London: Oxford University Press.
- Qari Seyed-Fatemi, S. M. (2009). *Human rights in contemporary society: Vol. 1. An introduction to theoretical debates, concepts, foundations, scope, and sources*. Tehran: Shahr-e Danesh Legal Studies & Research Institute. (in persian)
- Roy, M. (1998). *Battered women: The psychology of family violence* (M. Qaracheh-Daghi, Trans.). Tehran: Elmi Publishing. (in persian)
- Salari-Far, M. R. (2010). *Domestic violence against women: Analysis, causes, and treatment with an Islamic perspective*. Qom: Hajer Publishing. (in persian)